

معرفی کتاب

تمدن هلنی

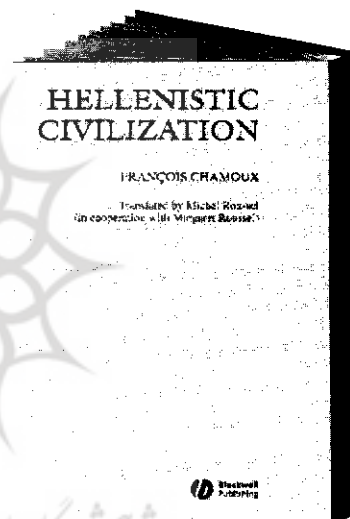
● علیرضا سلیمانزاده

جغرافیایی گسترده این دوره، وفور و تنوع منابع کمکی، نقش شخصیت‌های برجسته و... دست‌یابی به یک دیدگاه کلی در ارتباط با دوران باستان تاریخ یونان را مشکل می‌نماید. به این دلیل نویسنده کتاب به علت خصوصیت پیچیده واقعیت‌ها، قضاوت را برعهده خواننده کتاب گذاشته است. این اثر بر پایه سال‌ها مطالعه، مسافرت، تأمل انتقادی در متون و بناهای تاریخی و تلاش مستمر نویسنده آن نگارش یافته است.

کتاب تمدن هلنی در اصل به زبان فرانسه، توسط فرانسوا شامو^۲ به نگارش درآمده است. کتاب نخستین بار در سال ۱۹۸۱ در فرانسه به چاپ رسیده و بار دیگر در سال ۲۰۰۳ تجدید چاپ شده است. این کتاب توسط مایکل راسل^۳ و مارگارت راسل^۴ به زبان انگلیسی ترجمه و در سال ۲۰۰۳ در انگلستان به چاپ رسیده است. در نگارش این مقاله از متن انگلیسی کتاب استفاده شده است. فرانسوا شامو مؤلف اصلی کتاب در هنگام تجدید چاپ آن، دست به تجدیدنظرهایی زده و در این کار به گفته خود از کمک‌های ارزشمند کلوده ویال از دانشگاه مونت پلیه^۵، پروفیسور ایکس تین از دانشگاه ماری‌لند^۶ و دیگر اساتید برجسته سود جسته است.

راسل استاد دانشگاه اتاوا^۷ در ترجمه اثر مزبور به زبان انگلیسی از مجلد تجدید نظر شده آن، استفاده نموده است. از جمله ویژگی‌های ترجمه انگلیسی کتاب، جداول زمانی، واژه‌نامه اصطلاحات، ضمایم، تصاویر و نقشه‌های اضافی اقتباس شده از ویرایش سال ۱۹۸۱ این کتاب و همچنین استفاده از ارجاعات است. در عین حال تعدادی از پلان‌های شهری از کتاب حذف شده است. مؤلف در مقدمه کتاب ابتدا به تعریف اصطلاح هلنی پرداخته، ولی از یافتن معادلی دقیق برای اصطلاح مزبور در زبان انگلیسی و فرانسه عاجز بوده است.

بنابراین یکسره به سراغ منابع دوره هلنی رفته است. او درباره کمبود متون ادبی آن دوره چنین اظهار می‌نماید: «از زندگینامه‌های متعددی که به وسیله بازیگران صحنه‌های سیاسی یا به وسیله معاصران آن زمان نوشته شده، به جز نقل‌قول‌های نادر- به صورت مختصر یا تحریف شده - و یا



- تمدن هلنی
- تألیف: فرانسوا شامو
- ترجمه به انگلیسی: مایکل راسل و مارگارت راسل
- ناشر: بلک ول، لندن، ۲۰۰۳

- Hellenistic civilization
- By: Francois Chamoux
- Translators: Michel Roussel and Margeret Roussel
- Publisher: Black well publishers ltd, 2003

موضوع کتاب تمدن هلنی^۱، تمدن باستانی و کلاسیک یونان است که با مروری بر حوادث مهم تاریخی شروع شده و طی ده فصل به تشریح مضامین دوره هلنی می‌پردازد. ساختار

موضوع کتاب «تمدن هلنی» تمدن باستانی و کلاسیک یونان است که با مروری بر حوادث مهم تاریخی شروع شده و طی بخش‌هایی مختلف (ده فصل) به تشریح مضامین دوره هلنی می‌پردازد

مؤلف در مقدمه کتاب تمدن هلنی، به تعریف اصطلاح هلنی پرداخته، ولی از یافتن معادلی دقیق برای اصطلاح مزبور در زبان انگلیسی و فرانسه عاجز بوده است

اسکندر که امور کشور مقدونیه را در غیاب پدر اداره می‌کرد، اولین شهر را به نام خودش بنا نمود، که به تراسیان الکساندرو پولیس موسوم گردید.^۱

بعد از ذکر اقدامات اسکندر در مقدونیه و یونان، نویسنده به توصیف نخستین رویارویی‌های ایران هخامنشی با سپاهیان اسکندر پرداخته است. در اینجا نویسنده اسکندر مقدونی و داریوش سوم پادشاه هخامنشی را از نظر تعداد لشکریان و امکانات مورد مقایسه قرار داده است. او داریوش پادشاه ایران را از هر لحاظ برتر می‌بیند و در عین حال متعجب می‌گردد، که چرا چنین پادشاهی با داشتن امکانات بیشتر و بهتر در برابر اسکندر شکست خورده است: «لشکری که در خاک آسیا و در ناحیه آبیروس، واقع در تنگه داردانل پیاده شد؛ در شمار چندان زیاد نبود؛ حدوداً ۳۰/۰۰۰ پیاده و ۵/۰۰۰ سواره را شامل می‌شد. این نیروها برای مقابله با نیروی بسیار گسترده شاه بزرگ، یعنی داریوش سوم فراهم گردیده بود، که فرمانروایی او مانند اسکندر در سال ۳۳۶ ق. م. شروع شده بود و جلوسش بر تخت سلطنت را مدیون تحولات دربار بود. وی به طور قطع از لحاظ رهبری قابل قیاس با اسکندر نبود. چرا که هنوز صاحب‌منصبان او همچون رعایایش، براساس قرن‌ها سنت قدیمی فرمانبرداری پرورش یافته بودند و منابع نیروی انسانی، گنجینه‌های ثروت و اداره بانیات امپراتوری‌اش، او را (داریوش سوم) به عنوان یک دشمن بزرگ برای هر متجاوز بیگانه معرفی می‌کرد و واقعاً نیز این‌گونه بود.»^۱

در سایر بخش‌های این فصل از نحوه شکست ایران در نبرد گرانیک، اشغال ایونیه، نبرد ایسوس و نتایج آن، اشغال شهر تیر در نوار ساحلی شرق مدیترانه و غیره مطالبی ارائه شده است.

هنگام محاصره شهر تیر توسط اسکندر، داریوش سوم نامه‌ای به او نوشت که مؤلف کتاب مضمون آن را چنین بیان می‌کند: «در آن نامه چنین پیشنهاد شده بود که در کنار باج هنگامت به خاطر آزادی زنان خاندان سلطنتی، از کلیه نواحی اشغالی و تحت‌الحمايه آنها و به عبارت دیگر از آسیای صغیر تا

اشارات گذرا به آنها، هیچ چیز باقی نمانده است. از تاریخ بزرگ یونانی‌های غرب تألیف تیمائوس-سیسیلی در نیمه اول قرن سوم، که به سال ۲۶۴ پایان پذیرفت، چیزی در دست نیست و...»^۲. در قیاس با کمبود منابع ادبی، نویسنده کتاب از وفور مدارک خام (کتیبه‌ها، دست‌نویس‌های پایروسی و...) یاد می‌کند و چنین اظهار می‌دارد که کتیبه‌های بی‌شماری پیدا شده است و به رغم تلاش‌های اپیگرافست‌ها برای برآوردن مجموعه‌های مفید از کتیبه‌ها، اپیگراف‌ها برای تعبیر و تفسیر آنها با سختی‌هایی دست به گریبان شده‌اند. این مسأله نه تنها به خاطر وضعیت ناقص و یا تباها شده برخی مدارک خام است، بلکه در عین حال به مشکلات بی‌شمار زبانی، اصطلاحات و یا شیوه نگارش آن مدارک نیز بازمی‌گردد.

در فصل اول این کتاب با عنوان اسکندر: یک امپراتوری جهانی، نویسنده به توصیف نحوه تخت نشستن اسکندر می‌پردازد. براساس نوشته او، اسکندر تقریباً بیست ساله بود که در تابستان سال ۳۳۶ ق. م. کشته شدن پدرش توسط توطئه‌گران عامل غیرمنتظره‌ای برای جلوس او بر تخت سلطنت گردید. فیلیپ ملکه‌اش المیاس (مادر اسکندر) را به جهت ازدواج جدیدش با یک خانم جوان مقدونی به نام کلنوپاترا طلاق داده بود. اما به زودی بعد از به قتل رسیدن فیلیپ، شخصیت مصمم شاهزاده جوان و برخوردار او از مشورت و پشتیبانی آنتی پاتور، یکی از برجسته‌ترین دوستان پدرش، جلوس بدون منازع اسکندر بر تخت سلطنت را تأمین نمود. اسکندر توسط آنتی پاتور به مردم مقدونیه معرفی گردید و بدین ترتیب مورد تشویق قرار گرفته و به عنوان پادشاه پذیرفته شد. او بعد از جلوس به تخت شاهی به یک سری قتل‌های سیاسی دست یازید.

مؤلف در این کتاب اسکندر را شخصیتی خارق‌العاده توصیف کرده: «اعتقاد وی به عظمت کشورش، ایمان او به سرنوشت خود، خصوصیات عالی ذهن و شخصیت او همگی چیزهایی بودند که شاهزاده جوان را قادر می‌نمود تا در کنار پدر خود به ابراز وجود بپردازد. در سن شانزده سالگی، در سال ۳۴۰ ق. م. در حالی که فیلیپ لشکرکشی علیه بیزناس را رهبری می‌نمود،

مورخان، سرداران اسکندر یعنی بطلمیوس حاکم مصر، آنتی گون یک چشم حاکم فریژیّه و آناتولی غربی، اومن حاکم کاپادوکیه و پافلاگونه و سلوکوس که پس از اسکندر جانشینان واقعی او شدند را «وارثان اسکندر» یا «دیادوخ‌ها» نامیده‌اند

هالیس و سوریه و فلسطین تا فرات چشم پوشی نموده، و به عنوان وثیقه حسن نیت خود پیشنهاد نمود یکی از دخترانش به عقد فاتح مقدونی درآمد.^{۱۱} ولی پیش‌نهاد داریوش از سوی فاتح مقدونی پذیرفته نشد. پس از آن به جریان اشغال مصر و بنا نهادن شهر اسکندریه و دیدار اسکندر از واحه آمون اشاره شده است.

در مورد نحوه به آتش کشیدن تخت جمشید، مؤلف چنین می‌نویسد: «طبق دستور اسکندر کاخ بزرگ تخت جمشید به آتش کشیده شد. اما به نحوی که در روایت‌های خیالی ادعا شده، این کار بر اثر بی‌اختیاری ناشی از حماقت مستانه یا غوطه‌ور شدن او در مستی دینونیسوسی^{۱۲} انجام نشد؛ بلکه اسکندر می‌خواست با انجام برخی کارهای برجسته، از اعمال مخربانه خشایارشا در یونان طی دومین جنگ ایرانیان، انتقام بگیرد».^{۱۳}

در فصل دوم کتاب با عنوان دیادوخ‌ی و رؤیای وحدت^{۱۴}، از موضوعاتی چون جانشینی اسکندر به دنبال فوت او، انتخاب اسکندر چهارم خردسال به جانشینی و برگزیدن پردیکاس به نیابت سلطنت و... بحث شده است. به گفته نویسنده بین سرداران اسکندر در زمینه تقسیم ایالات توافقی حاصل گردید: بطلمیوس مصر را دریافت نمود، آنتی گون یک چشم، مسئولیت فریژیّه و آناتولی غربی را عهده‌دار شد که از همان ابتدای تصرف آنها تحت نظر او اداره می‌شدند. اومن^{۱۵} که پیش از آن به عنوان متصدی آرشیه‌های سلطنتی، یکی از نزدیک‌ترین دوستان اسکندر بود، کاپادوکیه و پافلاگونه را در آناتولی مرکزی و شمالی دریافت نمود. سلوکوس به حکومت ناحیه‌ای تعیین نشد، اما سرکردگی سواره‌نظام^{۱۶} را عهده‌دار گردید که گل سرسید نیروهای نظامی بود. این رهبران مقدونی که از بین آنان اومن به عنوان یک شخصیت ناسازگار ظاهر شد؛ جانشینان واقعی اسکندر بودند که مورخان آنان را وارثان اسکندر یا دیادوخ‌ها نامیده‌اند و این فصل نیز به همین خاطر به نام آنان دیادوخ‌ی نام گرفته است.

نویسنده در پایان فصل دوم با نامیدی چنین می‌نویسد: «رؤیای اسکندر برای ایجاد یک امپراتوری فراگیر و جهانی به حقیقت نیبوست. مدبرانه و خاور نزدیک اکنون به وسیله یک عده قدرت‌های نیرومند تقسیم گردیده بود، که از بین آنها در

نهایت روم بود که برتری کسب نمود».^{۱۷}

در فصل سوم کتاب در مورد موضوعاتی چون علل اهمیت قرن سوم قبل از میلاد در تاریخ تمدن هلنی، دولت بطالسه در مصر و سیاست آنان در قبال سوریه و قبرس، دوره فرمانروایی بطلمیوس سوتر، بطلمیوس دوم فیلادلف^{۱۸}، بطلمیوس سوم اورگت^{۱۹}، جنگ سوم سوریه در زمان بطلمیوس سوم و... توضیحاتی ارائه شده است. در بخش دیگری از این فصل از شاهان سلوکی، چشم‌پوشی آنان از متصرفات یونانی در هند، مشکلات آنان در آسیای صغیر، بیدایش دولت بی‌تی‌نیه، تاسیس دولت پونت، به قدرت رسیدن آنتیوخوس دوم، سلوکوس دوم کالینیکوس^{۲۰} تا سلوکوس سوم بحث می‌گردد. در بخش دیگری نیز از آنتی گون گوناتاس^{۲۱} و سیاست‌های وی در قبال شهرهای یونانی، مقدونیه و اسپارت، و جانشینان وی تا کومنس سوم^{۲۲} بحث شده است. و در پایان این فصل، نخستین تماس‌های روم و جهان هلنی و احتمال خطر درگیری بین روم و مقدونیه مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل چهارم از مسائلی چون، اولین سال‌های حکمرانی آنتیوخوس سوم، شورش مولون، بطلمیوس چهارم، چهارمین جنگ سوریه، مصر تحت فرمانروایی بطلمیوس پنجم، پنجمین جنگ سوریه، نخستین تاراج رومیان از یونان، طرح‌های آنتیوخوس سوم، نبرد ماگنسیا، سردمدار شدن روم در مشرق زمین، مداخلات روم در بی‌تی‌نیه و پونت، پایان سلسله آنتیگونی‌ها، عواقب موفقیت‌های روم برای سلوکیان و بطالسه، ششمین جنگ سوریه، از دست رفتن آسیا برای سلوکیان تا رودخانه فرات و... بحث شده است.

در فصل پنجم با عنوان دنیای هلنی رو به احتضار^{۲۳}، از یک دنیای هلنی در حال افول صحبت می‌شود و به بررسی مسائلی از قبیل، منازعات مهرداد پونتی با دولت روم، رقابت‌های خونین بازمندگان سلوکی، دوره تیگران کبیر، کشمکش‌های دودمانی بین بطالسه مصر، اشغال پونت توسط رومیان، آخرین حکام بطالسه مصر، اشغال مصر توسط روم و چگونگی تسلیم شدن دنیای هلنی به روم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل ششم از شهرهای یونانی عصر هلنی، شهرهای آناتولی، سوریه و دیگر شهرها، و مباحث دیگری چون بافت

مؤلف کتاب تمدن هلنی به عنوان یک مورخ غربی ابهام مهمی را
بی پاسخ گذارده و آن این است که پیامدهای واقعی تمدن هلنی برای
ملل مشرق زمین چه بوده است؟

بی‌نوشت‌ها:

۱. عنوان اصلی کتاب مذکور به زبان فرانسوی (La civilisation hellénistique) بوده، و توسط انتشارات (Arthand) در فرانسه به چاپ رسیده است.
2. Francois chamoux
3. Michel Roussel
4. Margaret Rossel
۵. عنوان انگلیسی این کتاب Hellenistic civilization بوده و توسط مؤسسه انتشاراتی Black Well publishers Ltd در انگلستان چاپ گردیده است.
6. Claude vial from University of Montpellier .
7. Professor Eckstein from University of Maryland.
8. Ottawa
9. Chamoux, Francois Hellenistic civiliation; Michel Roussel, London, 2003, p 2
10. Ibid; p8
11. Ibid; p12
12. Ibid; p17
۱۳. دیونیسیوس در افسانه‌های یونانی الهه شراب است.
14. Ibid, p 23
15. The Diadochi and the dream of unity
16. Eumenes
۱۷. این واحد سواره‌نظام به رفاقا موسوم بوده است.
18. heirs or Diadochi
19. Ibid, p 65
20. Ptolemy II Philadelphus
21. Euergetes
22. Seleucus II Callinicus
23. Antigonus Gonatas
24. Cleomenes III
25. The aGony of the Hellenistic world
26. The Monarchical system
27. The Hellenistic life style and its Environment

اجتماعی شهرها، وضعیت زندگی بردگان، شهروندان، فقرا و اغنیا، افزایش نقش زنان در عرصه زندگی عمومی، اتباع خارجی ساکن در شهرهای یونانی، حمایت‌های قانونی از اتباع خارجی و مسائل دیگر بحث می‌گردد.

در فصل هفتم که سیستم حکومت پادشاهی^{۳۴} نامگذاری شده، از مسأله پادشاهی در یونان باستان و کلاسیک، ماهیت پیچیده پادشاهی در دوره هلنی، مسائل جانشینی، ویژگی‌های مافوق انسانی پادشاه، شناخته شدن پادشاه به عنوان یگانه منبع قدرت، مشاوران پادشاه، اداره مرکزی حکومت، آرشیوها و دیگر مسایل مربوط به پادشاهی در دنیای هلنی بحث می‌گردد.

در فصل هشتم با عنوان شیوه معاش هلنی^{۳۵}، سبک زندگی دوره هلنی به تصویر کشیده شده و از هر جنبه‌ای این شیوه‌ها مورد مذاقه قرار گرفته است.

در فصل نهم کتاب از نگرش‌های هلنی نسبت به مذهب، تندیس‌های خدایان، آیین‌های رایج در سوریه، تشبیه ساختن پادشاه به یک ایزد از جمله اسکندر با آمون و اگوستوس با زئوس و غیره سخن به میان آمده است.

در فصل آخر کتاب از شکوفایی اندیشه، ادبیات و هنر در عصر هلنی، ارسطو و شیوه‌های علمی عصر هلنی، ریاضیت، تکنیک، داروسازی و پزشکی، کتابخانه‌ها، دانشمندان عصر هلنی، تعلیمات عصر، مکاتب فلسفی، تنوع نگارش و شیوه‌های ادبی و بسیاری از مسائل دیگر بحث می‌شود.

به عقیده نگارنده این سطور، مؤلف کتاب تمدن هلنی به عنوان یک مورخ غربی ابهام مهمی را بی‌پاسخ گذارده، و آن این است که پیامدهای واقعی تمدن هلنی برای ملل مشرق زمین چه بوده است؟ باید گفت تمدن هلنی با وجود داشتن ویژگی‌ها و مشخصه‌های بسیار عالی، در اصل بر پایه بهره‌کشی از ملل کشورهای شرقی تسخیر شده و نابودی استقلال سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آنان استوار بود و هنر، علوم، فلسفه، ادبیات و به طور کلی امور مرتبط با تمدن هلنی به مثابه ابزار و سلاحی در دست فاتحان یونانی و مقدونی محسوب می‌شد. در واقع بعد از سیطره تمدن هلنی، فاتحان مزبور به محو تمدن این ملل پرداختند.